گام جدید رسانه ملی برای گسترش مشارکت سیاسی

راه‌اندازی شبکه‌های «شورا» و «آرا» ویژه انتخابات شوراها

رئیس رسانه ملی در نشست مشترک با اعضای هیأت نظارت بر انتخابات شوراها، برنامه‌ها و کار ویژه‌های صدا و سیما برای این رویداد سیاسی را تشریح کرد





در آستانه برگزاری هفتمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، هیات مرکزی نظارت بر این انتخابات در نشستی مشترک با رئیس سازمان صداوسیما بر نقش تعیین‌کننده رسانه ملی در جهت‌دهی به این رویداد مشارکتی تأکید کردند. رئیس رسانه ملی نیز ضمن تشریح برنامه‌های ویژه صداوسیما، از راه‌اندازی شبکه‌های «شورا» و «آرا» در انتخابات پیش‌رو خبر داد.

به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، در این نشست مشترک که روز دوشنبه، ۱۵ دی‌ماه در سازمان صداوسیما برگزار شد، دکتر پیمان جبلی با بیان این‌که انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا چهارمین رویداد مشارکتی دوران تحول رسانه ملی است، گفت: انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۲ را با راه‌اندازی ۲۰۴ کانال انتخاباتی پشت سر گذاشتیم که یک اقدام تحولی عظیم و برجسته بود. پس از آن انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری را در یک دوره زمانی بسیار کوتاه و فشرده برگزار کردیم.

وی افزود: برای انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز برنامه‌ها و کارویژه‌های متعددی در نظر داریم که ازجمله آنها می‌توان به اضافه‌شدن شبکه‌های استانی با عنوان «شورا» و «آرا» در انتخابات پیش‌رو خبر داد.

اشاره کرد که به تبیین دیدگاه‌های نامزدهای انتخاباتی پرداخته و به پرشورتر شدن صحنه رقابت انتخابات و رونق مشارکت مردمی کمک می‌کند. از سوی دیگر تلویزیون هم با راه‌اندازی شبکه «آرا» به ما کمک می‌کند تا زیرساخت گسترده‌تری را برای حمایت از این رویداد در رسانه ملی فراهم کنیم. رئیس رسانه ملی با تبیین اهمیت انتخابات پیش‌رو تصریح کرد: شوراهای اسلامی شهر و روستا از مهم‌ترین و ارزشمندترین دستاوردهای انقلاب اسلامی و جلوه‌ای روشن از تحقق حکمرانی مبتنی بر رأی و اراده مردم به شمار می‌روند. رسانه ملی با درک این جایگاه، تمام تلاش خود را در مسیر تقویت و رونق‌بخشی به مشارکت عمومی در این انتخابات به‌کار خواهد گرفت.

مشارکت، اصل بنیادین انتخابات شوراها

محمدصالح جوکار، رئیس هیات مرکزی نظارت بر هفتمین انتخابات شوراهای اسلامی کشور نیز در این جلسه با تأکید بر جایگاه مشارکت مردمی گفت: بحث مشارکت برجسته‌ترین موضوع در انتخابات است و انتخابات شوراها جلوه‌ای از حضور و نقش‌آفرینی مستقیم مردم در اداره امور محلی به شمار می‌رود.

به گفته وی، هیات‌های نظارت از سطوح مرکزی تا پایین‌ترین بخش‌ها وظیفه صیانت از رأی مردم را بر عهده دارند و اصل بنیادین فعالیت آنها، ایجاد زمینه برای مشارکت حداکثری است. وی با اشاره به فرآیند تأیید صلاحیت داوطلبان افزود: این بخش از جدی‌ترین مراحل کار ماست و تلاش می‌کنیم با شکل‌گیری شوراهای کارآمد، برای چهار سال آینده شرایط مطلوب‌تری در حوزه مدیریت شهری و روستایی رقم بخورد. رئیس هیات مرکزی نظارت بر هفتمین انتخابات شوراهای اسلامی کشور در ادامه از تحول مهم انتخابات پیش رو سخن گفت و اظهار کرد: امسال تمام مراحل، از ثبت‌نام و احراز هویت تا اخذ رأی، به‌صورت الکترونیکی برگزار می‌شود. در دوره‌های قبل تنها بخشی از فرآیندها در برخی شهرها الکترونیکی بود، اما این بار همه مراحل دیجیتال است؛ امری که روند رأی‌گیری را تسهیل می‌کند، نتایج را سریع‌تر اعلام خواهد کرد و دقت در صیانت از آرای مردمی را افزایش می‌دهد. وی ادامه داد: امسال انتخابات شوراها در ۱۴۵۹ شهر برگزار می‌شود و بیش از ۴۰۰ هزار نفر مشارکت‌کننده فعال داریم که رکوردی کم‌سابقه است. همچنین ۷۰۰۰ شعبه اخذ رأی در شهرها فعال خواهند بود. جوکار ابراز امیدواری کرد که با همکاری رسانه ملی، اطلاع‌رسانی مؤثر و ترغیب مردم به مشارکت گسترده، شاهد برگزاری انتخاباتی باشکوه باشیم و دوره هفتم شوراها با فعال‌شدن حداکثری احزاب و گروه‌ها همراه شود.

رقابت و مشارکت در کانون توجه رسانه ملی

حسن عابدینی، معاون سیاسی سازمان صداوسیما نیز چهار مؤلفه اصلی انتخابات را امنیت، سلامت، رقابت و مشارکت دانست و گفت: رسانه ملی به‌صورت مستقیم در دو مؤلفه رقابت و مشارکت نقش‌آفرین است. وی به چالش‌های این دوره اشاره کرد و افزود: باید فرهنگ فعالیت حزبی را به‌عنوان یک امر مثبت برای مردم تبیین و در عین حال، الکترونیکی‌شدن کامل انتخابات را به‌درستی اطلاع‌رسانی کنیم. وی همچنین از برگزاری جلسات مستمر با معاونت سیاسی وزارت کشور و دادستانی کل کشور خبر داد و پیشنهاد برگزاری مناظره‌هایی را برای افزایش مشارکت مطرح کرد.

«حزب بلوط» در راه تلویزیون

علیرضا کیخا، معاون امور استان‌های سازمان صداوسیما هم از تولید سریال «حزب بلوط» خبر داد؛ سریالی که فعالیت‌های حزبی و شورایی را در قالب داستان دانش‌آموزان یک مدرسه روایت می‌کند و قرار است در ایام انتخابات از تلویزیون پخش شود. وی همچنین از تولید طرح‌های نمایشی کوتاه و بلند و مشارکت شبکه‌های استانی در تولیدمحتوای مرتبط با شوراهای هر استان خبر داد. در این جلسه مدیران ارشد رسانه ملی ضمن مرور تجربیات گذشته، به تشریح برنامه‌ها و دغدغه‌های پیش‌رو برای برگزاری هفتمین دوره انتخابات شوراها پرداختند. اعضای هیات نظارت بر انتخابات شوراها نیز با طرح دیدگاه‌ها و خواسته‌های خود از رئیس رسانه ملی، بر نقش رسانه در هدایت مردم به سمت انتخاب آگاهانه و اهمیت انتخابات شوراها به‌عنوان نخستین رویداد مشارکتی مردم پس از جنگ ۱۲ روزه تأکید کردند.

بنابر این گزارش، محمدصالح جوکار، مرتضی محمودی، محمد معتمدی‌زاده و علی کشوری ازجمله نمایندگان عضو هیات مرکزی نظارت بر انتخابات و همچنین مهدی مجتهد قائم‌مقام امور اجرایی رئیس رسانه ملی، محسن برمهانی معاون سیما، علیرضا کیخا معاون امور استان‌ها، حسن عابدینی معاون سیاسی، غلامرضا نوری معاون فضای مجازی، سلیم غفوری قائم‌مقام معاون سیما، هادی شریف‌زاده مدیرکل امور مجلس و همچنین حسین قرایی مدیرکل روابط عمومی رسانه ملی ازجمله حاضران این نشست بودند.



بهار شیراز طنزی از دل زندگی

فیلمنامه‌نویس و کارگردان «بهار شیراز» در گفت‌وگو با «جام جم»: خانواده‌محوری جزو آموزه‌های شخصی و عمیق‌ترین اعتقادات من است



زهرا عباسی
گروه رسانه

حسن وارسته، فیلمنامه‌نویس تلویزیون و سینما با کارنامه‌ای پربار از آثار طنز خانواده‌محور و ماندگار شناخته می‌شود. او که در سال‌های اخیر با سریال‌های موفق چندفصلی مانند «پایتخت» (سه فصل)، «دودکش»، «دیوار به دیوار» و «بچه مهندس» نام خود را به‌عنوان یکی از نویسندگان برجسته خانواده‌محور و کمدی و حتی ملودرام ایران تثبیت کرده، این روزها تجربه‌ای متفاوت را پشت‌سر می‌گذارد. در اتفاقی جالب سه سریال دوست‌داشتنی با فیلمنامه‌نویسی حسن وارسته همزمان روی آنتن شبکه‌های مختلف سیما هستند، «پایتخت» (بازپخش از شبکه آی‌فیلم)، «روزی روزگاری آبادی» (شبکه یک) و «بهار شیراز» (شبکه دو). نکته قابل توجه این است که در بهار شیراز، نام وارسته علاوه بر فیلمنامه‌نویس، به‌عنوان کارگردان نیز ثبت شده. هر چند این اولین تجربه جدی او در کارگردانی آثار نمایشی است اما با همین انگیزه، جام‌جم با او نشستی صمیمی ترتیب داد تا درباره تجربیات تئاتری وارسته در مسیر کارگردانی تلویزیونی، تأکید همیشگی‌اش بر خانواده‌محوری و حفظ حرمت آن در آثار، و همچنین چالش‌ها و جذابیت‌های ساخت یک کمدی اقلیم‌محور در بهار شیراز گفت‌وگو کنند.

شما سابقه‌ای درخشان در نویسندگی سریال‌های موفق و ماندگار چندفصلی دارید و حالا نام‌تان را به‌عنوان کارگردان سریال بهار شیراز می‌بینیم. آیا این اولین تجربه کارگردانی شماست؟

این حرفه را با کارگردانی تلویزیون و برنامه ترکیبی و نمایشی شروع کردم اما به‌صورت جدی اولین کارگردانی‌ام در عرصه نمایشی مطلق است که به لطف تهیه‌کننده محترم ابوالفضل صفری برایم محقق شده. اولین حضورم در این موقعیت کارگردانی تلویزیونی به سال ۷۱ برمی‌گردد؛ یک برنامه‌ای به نام «ما و شما» با اجرای خانم بهشتی بود که کارگردان آن برنامه ترکیبی نمایشی بودم. بعد از آن، برنامه‌های ترکیبی مختلف و پرمخاطبی را کارگردانی کردم؛ مثل «کمی تا قسمتی جدی»، «رواق»، «دختران» و برنامه‌های زیاد دیگری که به علت تعدد الان ذهن ندارم.

کارگردانی آثار نمایشی را از چه زمانی شروع کردید؟

اولین تجربه کارگردانی سریال تلویزیونی‌ام، «راه تو، راه من» بود که سال ۱۳۸۸ برای شبکه قرآن و معارف سیما ساختم اما اگر بخواهم بگویم مهم‌ترین و جدی‌ترین، کدام است، خواهم گفت همین بهار شیراز که با حمایت بی‌دریغ ابوالفضل صفری، این اتفاق برایم رقم خورده است. البته در کارنامه‌ام، تله‌تئاتر هم کارگردانی کرده‌ام اما باید تأکید کنم که خاستگاه اصلی‌ام در آثار نمایشی، تئاتر است. بیش از آن‌که خودم را فرزند سینما یا تلویزیون بدانم، حقیقتا برخاسته از تئاتر هستم. بیش از ۲۷ نمایش حرفه‌ای را روی صحنه برده‌ام. همچنین در کنار تئاتر، به‌عنوان منتقد، طراح صحنه و داور در جشنواره‌های مختلف فعالیت داشته‌ام.

مسیر حرفه‌ای که در عرصه فیلمسازی پشت‌سر گذاشتید چقدر در کارگردانی این اثر به کمک‌تان آمد؟

اعتقاد دارم در کمدی باید بازی را «درآورد» و دوربین صرفا شاهد واقعه باشد، نه این‌که بازی‌ها برای دوربین طراحی شوند. نمونه‌های موفق این رویکرد را در سریال‌هایی مانند «فرندز» یا «چگونه با مادرتان آشنا شدم» می‌بینیم که اغلب جلوی تماشاگران و به صورت زنده در استودیو ضبط می‌شوند و سه یا چهار دوربین فقط ناظر ماجرا هستند. برای من که خاستگاهم تئاتر است، همین نگاه نمایشی اهمیت دارد: درآوردن ارتباط‌ها، نشستن نقش روی کاراکتر و بیرون آمدن شخصیت واقعی. وقتی شخصیت درست و باورپذیر دربیاید، تماشاگر آن را می‌پذیرد و پس از آن می‌تواند با خیال راحت قصه را دنبال کند.

در مرور آثار شما، یک درونمایه اصلی مشترک به چشم می‌خورد و آن خانواده‌محوری است. این انتخاب عمدتا شخصی است یا بیشتر ناشی از نظر و سیاست‌های سازمان؟

خانواده‌محوری به‌شدت جزو آموزه‌های شخصی و عمیق‌ترین اعتقادات من است. من در خانواده‌ای در منطقه جنوب تهران ـ که آن زمان نسبتا فقیرنشین بود ـ بزرگ شدم و از کودکی آموختم حرف خانواده در خانواده می‌ماند و استحکام آن اهمیت دارد. برای من، پدر به‌عنوان ستون اصلی و مادر به‌عنوان پایه خانواده بسیار مهم هستند. منظورم این نیست که در جامعه و اقتصاد مشکلی وجود ندارد اما باور دارم اعضای خانواده باید به یکدیگر کمک کنند تا این شالوده محکم از هم نپاشد. به‌شدت به این موضوع ایمان دارم و در همه آثارم، آن را شعار اصلی قرار داده‌ام. در سریال «بهار شیراز» نیز حفظ کیان و حرمت خانواده محور اصلی است. نقش اصلی سریال با بازی (نادر معدل) هراژگاهی این جمله را تکرار می‌کند: «شعار من چیه؟ حفظ کیان و حرمت خانواده». این‌که این کلام را در دهان شخصیت اصلی گذاشته‌ام، برایم بسیار اهمیت داشته است.

شما در فیلمنامه‌نویسی فصول دوم، سوم و چهارم سریال «پایتخت» مشارکت داشتید. برخی معتقدند رویکرد خانواده‌محور این سریال محبوب و ماندگار، به‌مرور زمان تغییر کرده است. با توجه به این‌که خانواده‌محوری یکی از محورهای اصلی کارهای شماست، نظرتان در این خصوص چیست؟

واقعیت این است که من و مرحوم خشایار الوند بیشترین فصل‌های «پایتخت» را نوشتیم و تقریبا آدم‌های آن قصه را کامل می‌شناسیم. در فصل دوم که خشایار درگیر سریال آقای مدیری بود، آن را تا قسمت هفتم تنهایی پیش بردیم اما چون نوشتن همزمان با تولید بود، حقیقتا کم آوردم. این شد که از محسن تنابنده خواستم کسی به تیم اضافه شود و از قسمت هشتم یانهم، کوروش نریمان به ما ملحق شد. باید توجه داشت با وجود تمام نقدها، «پایتخت» هنوز یک برند قوی است و مردم آن را دوست دارند. چون سنگ بنایش درست گذاشته شده و کاراکترها برای مخاطب آشنا هستند. این فرمول را من در «پایتخت» یاد گرفتم و در آثار دیگرم هم تکرار کرده‌ام. در «دودکش»، «دیوار به دیوار» و حتی وقتی وارد پروژه «بچه مهندس» شدم، همین رویکرد را ادامه دادم. تلاشم همیشه این بوده که وقتی تماشاگر تلویزیون را روشن می‌کند احساس کند این آدم‌ها عمو، دایی، خاله یا یکی از اقوام خودش هستند؛ شبیه همان کسانی که در سیزده‌به‌در می‌دیده و این کارها را می‌کرده‌اند. بدین ترتیب شخصیت‌ها بخشی از خانواده تماشاگر می‌شوند. حالا اگر آدم‌های درون قاب تلویزیون نامأنوس باشند، مخاطبان نمی‌توانند ارتباط عمیقی با آنها برقرار کنند.

چگونه تجربیات‌تان در خلق شخصیت‌های کمدی آثار تلویزیونی تأثیر گذاشت و چرا معتقدید فاصله گرفتن از فرهنگ عامه و نزدیک شدن به روشنفکری باعث شکست برخی کمدی‌ها می‌شود؟

در تاریخ نمایش ما، شخصیت‌ها همیشه اهمیت ویژه‌ای داشته‌اند. همان‌طور که گفتم چون خاستگاهم تئاتر است، دو مدیوم نگارشی را بسیار دوست دارم. یکی نمایش‌های طنز با نگاه به تعزیه و روحوضی و دیگری نمایش کودک. کمدی‌های مبتنی بر این دو قالب، چون برآمده از مردم بودند و نشانه‌های مردمی داشتند، تیپ‌های جاافتاده‌ای خلق کردند: فوکلی، ارباب، پولدار، بدبخت زرنگ که بلد بود حقش را بگیرد، بهلول وار حرف بزند یا مثل مبارک عمل کند. من از سال ۶۹ که وارد این عرصه شدم، این ویژگی‌ها را از نمایش ایرانی آموخته‌ام. هرقدر به مردم نزدیک‌تر بوده و به ادبیات و فرهنگ ایران متکی باشی، تماشاگر بیشتر با اثر ارتباط برقرار می‌کند و آن را دوست دارد اما وقتی ادای روشنفکری درمی‌آوریم، کار با شکست مواجه می‌شود. مثلا یکی از کمدی‌هایی که خودم و بسیاری دیگر خیلی دوستش داشتیم، «افسانه هزارپایان» بود؛ یک کمدی پارودیک که روی کاغذ بسیار خوب به‌نظر می‌رسید و حتی بازیگران هنگام خواندن متن می‌گفتند برای خلق چنین اثری تخیل قوی لازم است. با این حال، به‌دلیل فاصله‌ای که با واقعیت زندگی مردم داشت نتوانست مانند دیگر آثار مورد استقبال گسترده قرار بگیرد. هرچند در ایران نمونه‌های موفقی از کمدی پارود یک داریم ـ مانند «مرد عوضی» یا «مومیایی» آقای هنرمند ـ اما مردم با شخصیت‌های آن آثار بیگانه بودند و نتوانستند با آنها ارتباط برقرار کنند. در «افسانه هزارپایان» هم اقبالی که روی کاغذ انتظارش را داشتم به‌دست نیامد و همین تجربه باعث شد به مسیری برگردم که مردم بیشتر دوست دارند.



در چند سال اخیر تلویزیون اقبال بیشتری به تولید آثار قومی ـ اقلیمی نشان داده، که البته در آثار شما هم پرداخت به اقلیم‌ها و قومیت‌ها پررنگ است. معیارتان برای انتخاب اقلیمی برای روایت قصه‌ها چیست؟

در دوره‌ای از مدیریت صداوسیما که از تمرکز صرف بر تهران فاصله گرفتیم اتفاق مثبتی رخ داد؛ هرچند محدودیت‌هایی رویکرد هم دارد ـ مثلا شوخی با اقوام سخت‌تر و ما محتاط‌تر شدیم ـ اما «پایتخت» جرأت لازم را ایجاد کرد تا به سمت چنین کارهایی برویم و دیگر فیلمسازان هم فضا را برای کار در استان‌ها مناسب ببینند. «بهار شیراز» طرح اولیه‌ای داشت به نام پیشخوان که شش یا هفت سال پیش، در دوره آقای کرمی و آقای فضلعلی در شبکه نسیم نوشته شده بود و تأکید بر استان‌محور بودن طرح‌ها بود. آن زمان در داوری جشنواره تئاتر فجر در استان مرکزی، لهجه ساوه‌ای جالبی شنیدم که خیلی خوشم آمد؛ چون لهجه بخشی مهم از بار کمدی را به دوش می‌کشد. وقتی آقای صفری مرا به‌عنوان کارگردان انتخاب کردند و پای من ایستادند، با نظر ایشان طرح و فیلمنامه اولیه بطور محسوس تغییر کرد. ایشان با ساوه موافق نبودند چون بازیگران مطرح و چهره‌های آشناکم هستند (هرچند استعدادهایی مثل جواد عزتی داریم) و گستردگی جغرافیایی و فرهنگی‌اش مثلا به اندازه فارس نیست. در گام بعدی ذهنم به سمت قزوین رفت، اما نگران سوءبرداشت از شوخی‌ها بودم. در نهایت آقای صفری گفتند که بر اساس شیراز فیلمنامه بازنویسی شود، پیشنهادشان عالی بود چون مردمش آرام هستند و حلاوت کلام دارند. با پیشنهاد بی‌نظیر تهیه‌کننده تغییرات لازم را در داستان و استوری وال و شخصیت‌ها اعمال کردیم تا با ویژگی‌های اقلیم هماهنگ شود.

اما این گرایش سریال‌های کمدی به سمت اقلیم‌ها و قومیت‌های مختلف، می‌تواند حساسیت‌برانگیز هم باشد. نظرتان در این باره چیست؟ آیا انتظار دارید مخاطبان به مرور با این روند کنار بیایند و آن را بپذیرند؟

گذار فرهنگی فرآیندی چنددهه‌ای و آرام است. «پایتخت» در زمان پخش با انتقادهای فراوانی روبه‌رو شد؛ «نون‌خ» هم همین‌طور، حتی با این‌که سعید آقاخانی خودش کرد و اهل بیجار است، بارها از سوی کردزبان‌ها مورد انتقاد قرار گرفت. اما این مسیر باید ادامه یابد تا تحمل و جنبه مردم ما بالاتر برود. در «لیسانسه‌ها»، سروش صحت پس از فاصله‌گذاری، شوخی می‌کرد و مثلا می‌گفت: «از پزشکان معذرت می‌خواهم، منظورم شما پزشکان زحمت‌کش نیست». این نشان‌دهنده تاب نیاوردن کامل جامعه نقد و شوخی است، اما گذر زمان این تحمل را افزایش خواهد داد. با این حال، نباید شوخی‌ها به مرز تمسخر برسد. مرز آنجاست که اتفاقات روزمره و طبیعی خنده‌دار را به مسخره کردن یک قومیت، تحمیق آن یا معذرت می‌خواهم پایین دانستن سطح فرهنگی تبدیل نکنیم؛ این کار نادرست است و خود من هم از آن ناراحت می‌شوم.

پس تهیه‌کننده نقش کلیدی‌ای در انتخاب اقلیم داستان داشتند. با توجه به سابقه زیاد آقای صفری، ایشان در چه موارد دیگری کمک کردند؟

وقتی آقای صفری پیشنهاد کارگردانی «بهار شیراز» را به من دادند، ابتدا تردید داشتم چون سال‌ها از کارگردانی دور بودم و بیشتر به عنوان فیلمنامه‌نویس شناخته می‌شدم. ایشان ریسک بزرگی کرد و با اعتماد کامل، مرا به این عرصه بازگرداند. این شد که به مرور طرح اولیه‌ای که سال‌ها قبل با عنوان دیگری تصویب شده بود، با ایده‌ها و پیشنهادهای ایشان جان تازه‌ای گرفت. اولین چیزی که مرا به وجد آورد، کستینگ پیشنهادی آقای صفری بود. ایشان تمام بازیگران را انتخاب کردند و معتقد بودند بازیگرانی مثل خانم سودابه بیضایی، آقای قربان نجفی و چند نفر دیگر که عمدتا در نقش‌های جدی و حتی منفی دیده شده بودند، در فضای کمدی می‌توانند مخاطب را حسابی غافلگیر کنند. روزهای اول کمی نگران بودم، اما ایشان حدود دو هفته پیش از شروع فیلمبرداری، فضای تمرینی تئاترگونه‌ای در دفتر در اختیارم قرار دادند تا من با بازیگران روزانه چند ساعت تمرین کنم و بازی‌ها و روابط را پخته جلوی دوربین ببریم. این دلسوزی و دقت آقای صفری واقعا به همه قوت قلب داد و نتیجه‌اش شد چیزی که امروز مخاطبان به طور نسبی از آن راضی هستند. همین ایده‌ها و کستینگ باعث شد طرح اولیه کاملا دگرگون شود و به «بهار شیراز» تبدیل گردد. انتخاب عنوان سریال هم پیشنهاد خود ایشان بود. من دوباره به فکر بازنویسی فیلمنامه افتادم و با هدایت و نظارت ایشان، کار به شکل کنونی رسید. حقیقتا آقای صفری در تمام مراحل تولید نظارت دقیق داشتند؛ عوامل پشت دوربین را با دقت انتخاب کردند، دکور سنگین و پرهزینه‌ای ساختند که چندین برابر برآورد سازمان هزینه برد، و حتی فیلمبرداری در لوکیشن‌های واقعی شیراز را ـ که در تعهدات اولیه نبود ـ پذیرفتند تا سریال خوش آب‌ورنگ و باورپذیر شود.

یک چالش سخت پیش‌روی بهار شیراز است؛ همزمان با پخش این اثر «شیش‌ماهه» مهران مدیری هم روی آنتن است. فکر می‌کنید در جذب مخاطب، رقابت چگونه خواهد بود؟

مهران مدیری سابقه طولانی و درخشانی در آثار طنز تلویزیونی دارد و به‌طور طبیعی ۱۰ هیچ از همه ما جلوتر است. (می‌خندد) اما اولا ساعت پخش این دو برنامه با هم متفاوت است و ثانیا یادآوری می‌کنم که برخی کارها در گذر زمان توسط مردم قضاوت می‌شوند. برای من در حال حاضر، عرصه رقابت اهمیت چندانی ندارد؛ چون جنس کار، لحن و زبان کمدی ما کاملا متفاوت است. حرفم این است که اصلا بودن در فضای رقابتی مهم نیست؛ مهم این است که حال مردم خوب باشد و مخاطب کار خوب ببیند، چه کار ما را بیشتر ببیند و چه کار دیگری را. آنچه برای من اهمیت دارد، این است که در این شرایط اقتصادی دشوار، لحظات فرح‌بخش و شادی‌آوری برای مردم ایجاد کنیم.

با توجه به این‌که سریال‌های چندفصلی موفق زیادی را در کارنامه دارید، احتمال چند فصلی شدن بهار شیراز هم وجود دارد؟

آنچه باعث می‌شود یک سریال چندفصلی شود، دو چیز است: اول پتانسیل قصه و دوم استقبال مردم. تا به اینجا فصل اول بهار شیراز را برای حداقل ۵۰ قسمت برنامه‌ریزی کرده‌ایم. سریال‌هایی داشته‌ایم که پتانسیل بالایی برای دنباله‌دارشدن داشتند اما به‌دلایل مختلف در اوج متوقف شدند و این به اعتبار کار لطمه زد. تجربه به من نشان داده وقتی مردم ادامه یک قصه را بخواهند و قصه هم پتانسیلش را داشته باشد، باید جلو برویم؛ در غیر این صورت هر چند در اوج، باید خداحافظی کرد. ترجیح می‌دهم مردم و بعد مدیران بگویند «ادامه‌اش را می‌خواهیم». من حتی همین حالا پیش‌بینی قصه‌های زیبایی برای زوج اصلی بهار شیراز دارم؛ چه در ادامه مسیرشان، چه در گذشته‌شان یا حتی به شکل اسپین‌آف.